

# نغمه فحشاء از حلقوم آزادی سقط جنین

پاسخ مستدلی به مقاله زنده یکی از جراید عصر تهران

دکتر محمد نظام الدینی

عواقب شوم دنباله رویهای غربی دسر می پروراند  
گفته‌های نویسنده مزبور مورد بررسی قرار گیرد.  
نویسنده ابتدا برای اینکه رنگ مذهبی بگفتار  
خود بدهد در لباس يك سخنگوی اسلامی درآمده و  
می نویسد: «اسلام می گوید مقررات مذهب مسا را  
بگیرید و هر چه مطابق عقل سلیمتان درست نیاید بزنیدش  
بدیوار» ما نمیدانیم این نویسنده چنین روایت کذائی  
را از کجا گیر آورده اند؟ آیا آن موقع که با هنر-  
پیشگان سینما صاحب می کردند بایشان الهام شده  
و یا این قول را هم از اساتید غربی خود گرفته است؟  
این نکته لازم بتذکر است که روایتی قریب باین  
مضمون در دست است که معصوم علیه السلام می فرماید.

در یکی از جرائد عصر تهران تحت عنوان «آیا  
فقط پاپ است که هرگز اشتباه نمی کند؟» (۱) مقاله ای  
درج شده است که تنها مطالعه سطحی این  
مقاله که بقلم یکی از باصطلاح «روانشناسان»  
نگاشته شده است انسان را دچار شگفتی میسازد.  
نویسنده این مقاله در مقام انتقاد از پاپ که  
چندی پیش سقط جنین را تحریم کرده است، وهم-  
چنین بعنوان يك مسلمان سخنانی بهم بافته و  
خواستار است بدین وسیله آزادی سقط جنین را  
موجه جلوه دهد. لازم بود که جهت روشن کردن  
فکر خوانندگان آن مقاله، وهم برای جلب توجه  
کسانی که ادعای نجات نسل این مملکت را از

(۱) روزنامه اطلاعات شماره ۱۳۹۷۹

حدیثی که از نظر مفهوم و مدلول باقرآن معارضه داشته باشد بدیوار بزیند یعنی بدان اعتنائی نکنید که باز بحث در خود این روایت و سایر روایات وارد از نظر دلالت و سند بعهدہ علما و دانشمندان اسلامی است و یک مسئله صد در صد تخصصی است که شخص ایشان صلاحیت اظهار نظر در اینگونه موارد را ندارند و انگهی بقرض قبول این جمله‌ای که نویسنده محترم برای آزادی سقط جنین به آن استناد کرده‌اند چند سؤال مطرح می‌شود:

۱- در ابتدا می‌گویند «مقررات مذهبی ما را بگیرید» از روانشناس نویسنده می‌پرسم مقررات مذهبی ما چیست آیا جز این است که حرمت سقط جنین بعنوان قتل نفس بطور وضوح از منابع اصیل اسلامی، از صدر اول اسلام تا کنون محققاً بعنوان یک مسئله غیر قابل ابهام و انکار مشخص می‌باشد و جزء مقررات مذهبی ماست پس با پذیرفتن آن بعنوان یک اصل مذهبی دیگر چه مسئله‌ای را بعقل سلیم ارجاع دهیم؟!؟

۲- و انگهی ارجاع روایات مبهم و متشابه بعقل مسئله‌ایست قابل تعمق. کدام عقل؟ عقل برتراند- راسل که هم جنس بازی را هم تجویز می‌کند؟ به عقل غرب زده‌های وطنی که معتقدند مسائل جنسی را در همان اوان کودکی باید عملاً بین فرزندان حل کرد و آنها را آزاد گذاشت؟! تا عقده جنسی در آنها پدید نیاید؟! به عقل روانشناسانی که در مورد حد لخت شدن هنرپیشه‌های سینما اظهار نظر می‌فرمایند!!!؟

عجیب خنده آور است از یکطرف یک مسئله قطعی

و صد درصد حرام اسلامی را جزء مبهمات پنداشته و پس از اینکه دچار این قلب حقیقت گردیده آنرا ارجاع به عقل سلیم می‌دهند و آنگاه عقل سلیم را هم از مغرب زمین که دخمه‌های کثیفش مملو از معتادین به هروئین وال - اس - دی است برای ماسوغات می‌آورد. از این قسمت می‌گذریم و به دومین قسمت بحث عالمانه! نویسنده می‌رسمم جائیکه ایشان، دیروز و امروز زن و مرد را مقایسه می‌کنند و از یکطرف با چشمی خشمناک به گذشته زنهائیکه عفت خویش را نگاهداشته و بر فطرت زن بودن خود که مادری شیرپرور باشند، نگریسته و آنرا تخطئه می‌نمایند و سپس در مقام تحسین از بی بندوباری فعلی با این عبارت نتیجه گیری می‌کند «و چون امروز دیگر عفت مفهوم اخلاقی غیر از پشت تا پوبار آمدن است بنابراین درشش گوشه دنیا طبیعتاً مقنناری بچه ناخواسته تولید می‌شود!! که اگر چاره آن تحت شرایط بهداشتی و قانونی فراهم نباشد حتماً در فنا و به طرق غیر بهداشتی و غیر قانونی اجرا می‌گردد».

ابتدال از سراپای این باوه‌ها می‌بارد از یکطرف اقرار می‌کند که پریرویان چون سر از روزن بر آوردند خواه و ناخواه عده‌ای بچه‌های ناخواسته و نامشروع پیدا می‌شوند و از طرف دیگر در مقام چاره این می‌فرمایند چون اکنون این بچه‌های ناخواسته (مملول بی بند و باری محیط) بطرق غیر بهداشتی سقط می‌گردند باید بسا تدابیر بهداشتی آنها را ساقط کرد!!

عیناً به این می‌ماند که ابتدا فروش و استعمال

مواد مخدر چون هروئین را آزاد بگذاریم و پس آنگاه که شماره معتادان روفزونی رفت بگوئیم اکنون باید استعمال و فروش هروئین با طرق بهداشتی و قانونی صورت گیرد!!

مقاله نویسم محترم بعد از این قسمت برای بینوایانیکه که دارای چند فرزند هستند و فقر غذائی آنها را وادار به سقط جنین می کند اشک تمساح ریخته و سپس بسروقت آنهائی میرود که صاحب فرزندان نامشروع شده اند و میگوید « حالا به فرض هم عده ای برای دفع بچه نامشروعشان دست باینکار خطرناک (سقط جنین غیر بهداشتی) زده باشند تازه کاملادورا از انصاف است که دونفر انسان متساوی - الحقوق که به سهم مساوی در عملی (لابد عمل خیری!) شرکت می کنند یکی پس از انجام تفریحش کلاه خود را به سر گذاشته و بی خیال و فارغ البال پی کار خود برود و دیگری دچار عذاب و رسوائی و مطرود شدن از خانواده و تمام عواقب مضر جسمی و اجتماعی و خانوادگی گردد و حتی نتواند از موسسات درمانی کمک بخواهد و با عمل جراحی بهداشتی درصدد رفع اثرات خودخواهی حریف خود! بر آید چرا برای اینکه خلاف اخلاق است! همه دلسوزیهای نویسنده برای همینجاست و قضاوت این قسمت از بحث صرفاً بعهده خوانندگان منصف است فقط نکته جالب اینجاست که داخل پراگماتر نویسندگان ترحمأ برای اخلاق اشک می ریزد و برای شکستن آخرین سدی که در مقابل بی بندوباری، رسوائی، فحشاء، قرار گرفته است یعنی اخلاق می فرمایند « ای اخلاق چه بد اخلاقی ها که بنام تو مرتکب

نمی شوند؟! یعنی ایکاش تو نبودی و این کمترین اثرت را هم از محیط ما بر می گرفتی تا اینکه آزادانه بدون هیچ دغدغه خاطری قول شاعر به معنی واقعی خود! تحقق می پذیرفت که:

گر همه شهرم نگه کنند و ببینند

دست در آغوش یار کرده حمایل!!

تا اینجا نویسنده روانشناس در حاق مسائل اجتماعی و اخلاقی و دینی تحقیقاتی فرموده و آنگاه متهورانه وارد مسائل اقتصادی میگردد و پس از استناد سند به فیلسوفان و متفکرین غرب چشم بسته غیب میگویند که در هیچ دوره از تاریخ تعداد انسانهای روی زمین بقدر امروز نبوده است!! و مرتباً هم بر جمعیت زمین افزوده میگردد!! پس بنا بر این کشفیات جدید علمی!! چون ارتزاق این همه مردم امکان پذیر نیست لازم است سقط جنین آزاد گردد.

عجب مجوز خوبی است که اگر بدان توجه شود لازم می آید که در چند سال دیگر چون سقط جنین هم تکافو رفیع ازدیاد نفوس نمیکند متفکرین غربی بنشینند و پس از سمینارهای علمی! نظر بدهند که علاوه بر سقط جنین لازم است، بمنظور جلوگیری از تراکم و انفجار جمعیت يك كشتار دسته جمعی (ولی طی ضوابط و شرایط بهداشتی!!) در چند قسمت از دنیا صورت گیرد تا جمعیت متعادل گشته و منابع غذائی جوابگوی باقیمانده از این کشتار گردد!

نمیدانم متفکرین غربی و نشخوار کنندگان افکار آنها که منظره تراکم جمعیت آنها را بو حشمت افکنده است، هیچ باین مسئله اندیشیده اند که بودجه های سرسام آوری

موجود دنیا و ایران نموده اند و خوانندگان عزیز ملاحظه فرمودند که تلاش ایشان جهت موجه جلوه دادن يك عمل صددرد غیر شرعی و مخالف موازین اسلامی تلاشی مذبحانه می باشد:

\*\*\*

بحث تفصیلی در مورد خطرات آزادی سقط جنین از نقطه نظرهای مختلف ، بهداشتی ، اجتماعی ، اقتصادی موکول به مجال بیشتری است و همچنین طرح و بررسی مسئله تراکم جمعیت و کیفیت جلو گیری معقول آن از دیدگاه دین مقدس اسلام خود مسئله دیگری است که بخواست خداوند در فرصتهای مناسبی مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

که صرف تحقیقات فضائی وهم چنین براه انداختن جنگهای خانمانسوز میگردد اگر در راه ارتزاق گرسنگان جهان صرف میشد دیگر خطر گرسنگی جهان را تهدید نمی کرد و آیا منصفانه قبول میکردند که راه سیر کردن گرسنگانی که نویسنده مقاله مزبور دلش بحالشان سوخته است آزادی سقط جنین نیست ؟!

در انتهای مقاله نویسنده اظهار امیدواری کرده اند که دیر یا زود سقط جنین در ایران آزاد گردد و این تنها مسئله مشکل و غامضیکه سر راه بشریت قرار گرفته است حل شود!

این بود مختصری از دلسوزیه ئیکه نویسنده مزبور در مقاله خود برای رفع بحرانهای اجتماعی

## اقلیم محبت

در آن وادی بجز نور خدا نیست  
در آنجا حیلۀ و روی و ریا نیست  
دگر کین توی و جور و جفا نیست  
بگوش این و آژدها هیچ آشنا نیست  
غم و خون سردی و اشک و عزانیت  
بشرد دیگر ز یکدیگر جدا نیست  
در آمریکا سخن از آسیا نیست  
ز سوئی بمب پیش از اورها نیست  
غذایش وقف سگ یا گربهها نیست  
در آن افراط و تفریط و خطا نیست  
ز سوئی رحمت بی انتها نیست!  
یکی اخلاق را کشتن بجا نیست  
بشر دلدادۀ خشم و فنا نیست  
که این دو حاصلش غیر از بقا نیست  
بجز این و آژده در قاموس مانیت

در اقلیم محبت جز صفا نیست  
و وفا هست و صفا و پاکبازی  
فقط لبخند مهر است و محبت ،  
دگر نه لفظ مظلوم است و ظالم  
سرور شادی است و شور و احساس  
نه صحبت از سفید و نه سیاه است  
بنام صلح نه جنگ است و غوغا  
ز سوئی گر صلیب سرخ باشد  
بشر دیگر نمی میرد ز قحطی!  
بهرکاری تمادل هست و ترکیب  
گرفتن مال و جان یکسویه دزدی!  
بسکی جمعیت تسلیح اخلاق  
نجوید فطرت ما جز محبت  
بشر تسلیم احسان است و انصاف  
بقا شد معنیش لفظ محبت

محبت لفظ اسلام است «مصباح»  
از: عباسی مصباح زاده  
در اقلیم محبت جز صفا نیست